

« فراسوی مدیریت »

سال سوم - شماره ۱۰ - پائیز ۱۳۸۸

ص ص ۲۴۱ - ۲۱۹

## تحلیلی بر تاثیر جهانی شدن بر بازار کار

دکتر حسین میرزایی<sup>۱</sup>

حبیب آقاجانی<sup>۲</sup>

### چکیده

بازار کار در بین بازارهای چهارگانه اقتصاد، در تنظیم روابط عرضه و تقاضای نیروی کار و تعادل در متغیرهای کلان اقتصادی، همچون اشتغال، نقش محوری دارد. پیامدها و آثار اقتصادی-اجتماعی تعادل در بازار کار به نحوی است که مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران است. یکی از پیامدهای مستقیم چنین تعادلی جلوگیری از هزینه و مخارج ایجاد شده در نتیجه بیکاری است. اشتغال به عنوان عاملی مؤثر در رشد اقتصادی، توزیع درآمد، و حفظ کرامت انسانی است. در مقابل بیکاری به عنوان ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها و پیامدها و تبعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد. بیکاری یک پدیده اقتصادی بسیار مهم و حائز اهمیت برای دولت‌ها به شمار می‌آید که دولت‌ها همواره در تلاش هستند معضل اقتصادی-اجتماعی بیکاری را حل نمایند. شواهد تجربی بیانگر این واقعیت است که همه کشورها چه توسعه یافته و چه در حال توسعه گریبان‌گیر مشکل بیکار هستند. ساختار جمعیتی کشورهای آسیایی و عرضه فراوان نیروی کار از یک طرف و فقدان امکانات متناسب با آن و در نتیجه عدم تقاضای کافی از طرف دیگر، بیکاری را به عنوان مهمترین معضل اقتصادی-اجتماعی این کشورها نموده است. در این راستا پدیده جهانی شدن احتمالاً بر ساختار بازار کار، اشتغال و بیکاری، آثار جدی را بر جای خواهد گذاشت. از آنجا که دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه نقش زیادی را در بازار کار دارند. خود به عنوان یک متغیر و عامل تأثیرگذار بر بازار کار نیز مطرح هستند.

**واژه‌های کلیدی:** جهانی شدن، بازار کار، کشورهای آسیایی، اشتغال، رشد اقتصادی، بیکاری

<sup>۱</sup> - استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور شیستر (mirzaeih@yahoo.com)

<sup>۲</sup> - عضو هیأت علمی گروه اقتصاد واحد اسکو، دانشگاه آزاد اسلامی، اسکو، ایران (aghjani1249@gmail.com)

## تعریف جهانی شدن

واژه جهانی شدن<sup>۱</sup> از چهارصد سال پیش و اصطلاحاتی چون globalizing، globalization، globalism از دهه ۱۹۶۰ در متون علمی و ادبی به کار گرفته شده است. در سال ۱۹۶۱ تعاریفی برای globalism و globalization در فرهنگ لغات و در سال ۱۹۶۲ واژه «جهانی شدن» در مجله spectator (به عنوان اولین مجله کثیرالانتشار) به کار برده و به عنوان مفهومی پیچیده معرفی شده است. همچنین این واژه در سال ۱۹۸۰ در فرهنگ اکسفورد در لیست واژه های جدید ثبت شد. اما از اواسط دهه ۱۹۸۰، کاربرد و اعتبار علمی جهانی شدن گسترش یافته است و محققان ضمن ارائه تعاریف مختلف برای جهانی شدن (به عنوان یک پدیده، فرایند و گفتمان) تأثیرات گوناگون آنرا در زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بررسی کرده اند.

در حال حاضر این واژه به یک پدیده فراگیر و همه جانبه تبدیل شده است به طوری که جهانی شدن فرایندی است پیچیده که بر جنبه های مختلف زندگی همه مردم در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تأثیر گذار است (دنيس پیراژه، ۲۰۰۱، ۴۳). بنابراین جهانی شدن را می توان یک فرایند فزاینده آزادسازی تجاری، منتج از ابتکارات انسانی و پیشرفت تکنولوژی دانست. اما کراکر (۲۰۰۴) می گوید: مفید است که یک تلقی نسبتاً فارغ از ارزش، از جهانی شدن داشته باشیم<sup>۲</sup> در حالیکه مک گرو، هلد، گله بلات و پراتون می گویند: جهانی شدن را می توان گسترده شدن، تعمیق و تسریع شدید ارتباطات در سطح جهانی و در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی معاصر دانست که مستوجب تحول روابط و کنش های متقابل اجتماعی و

<sup>۱</sup> - Global

<sup>۲</sup> - فرهنگ (American Heritage (2000)، کلمه globalization را اینگونه توصیف می کند: تمایل و تحرک و جوه سرمایه گذاری کسب و کار و بازارهای ملی به ماورای مرزهای داخلی و به سوی بازارهای جهانی، در نتیجه، گسترش و بهم پیوستگی بازارهای متفاوت.

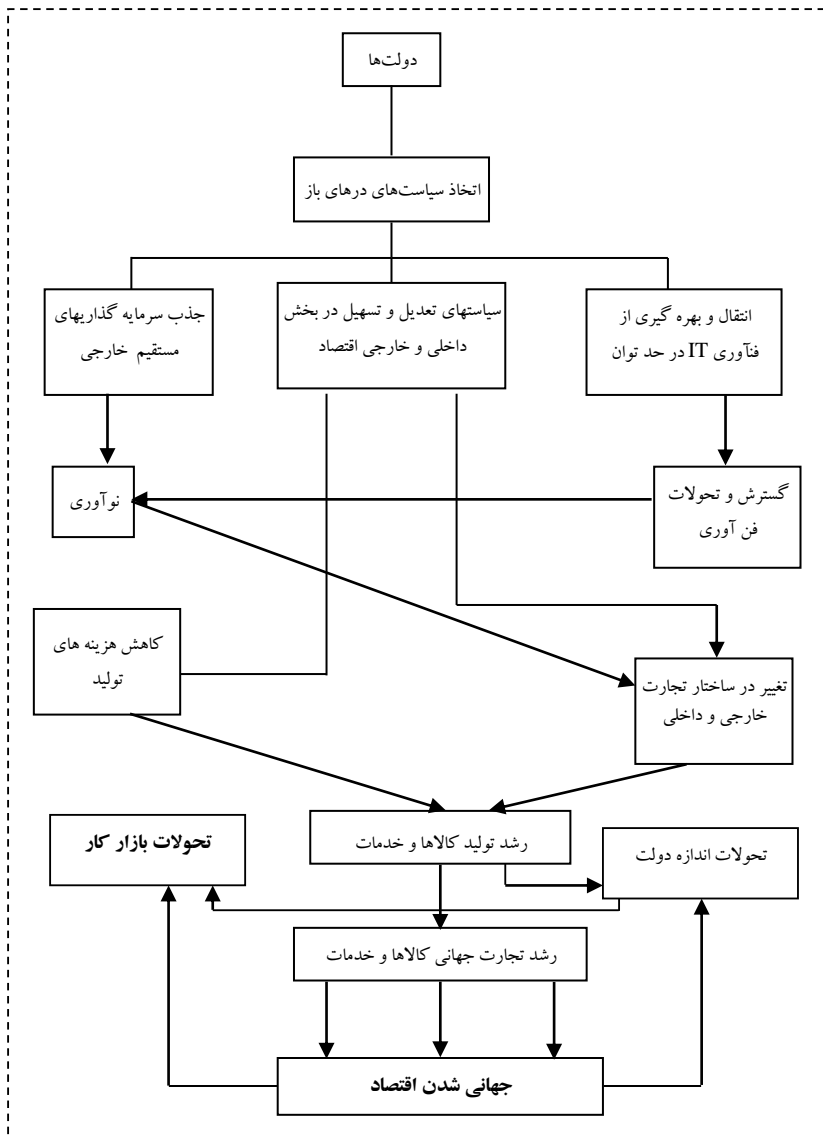
مستلزم ایجاد جریان‌ای فرا قاره‌ای یا بین منطقه‌ای و متضمن شبکه‌های فعالیت و اعمال قدرت می‌باشد.

### ترسیمی از فرایند جهانی شدن اقتصاد

در نمودار (۱) ترسیمی از یک فرایند جهانی شدن اقتصاد ارائه شده است. در این نمودار نقش دولت‌ها بشکل بارزی در فرایند جهانی شدن مورد توجه قرار گرفته است. دولت‌ها در این فرایند با اتخاذ سیاست‌های درهای باز، نسبت به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی برنامه‌ریزی کرده و همزمان در انتقال و بهره‌گیری از فنآوری‌های جدید به کشورشان اقدام می‌کنند. سیاست‌های درهای باز سبب می‌شود که دولت‌ها گام‌های اساسی بعدی از جمله برنامه سیاست‌های تعدیل در بخش داخلی و خارجی اقتصاد را بردارند. در ارائه این فرآیند سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فنآوری، هر دو، منجر به نوآوری در بخش‌های اقتصادی ذیربط که سرمایه‌گذاری و انتقال فنآوری در آن بخش‌ها صورت گرفته است، می‌شود. نتایج بعدی این نوآوری، افزایش بهره‌وری و بدنبال آن کاهش هزینه‌های تولید و سپس رشد تولید کالاها و خدمات خواهد شد.

از طرف دیگر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت‌ها در اتخاذ درهای باز و سیاست تعدیل، تغییر ساختاری در چارچوب‌های تجارت داخلی و خارجی را در پی دارد. آثار این تغییر ساختاری به رشد تولید کالاها و خدمات شتاب بیشتری می‌دهد. به دنبال آن رشد تولید، تحولاتی را در بازار کار و اندازه دولت ایجاد می‌کند. در نهایت انتظار می‌رود به رشد روزافزون کالاها و خدمات و افزایش تجارت جهانی بیانجامد که این خود جهانی شدن اقتصاد را با توجه سیاست‌های درهای باز به ارمغان می‌آورد. گسترش جهانی شدن تأثیر بیشتری را مجدداً بر اندازه دولت و بازار کار خواهد داشت. از آنجا که اندازه دولت به طور امکان‌پذیری بر بازار کار مؤثر است به عنوان عاملی اساسی بر بازار کار اثر دارد.

## نمودار (۱): ترسیم فرایندی از جهانی شدن اقتصاد



## بازار کار

بازار کار در بین بازارهای چهارگانه اقتصاد، در تنظیم روابط عرضه و تقاضای نیروی کار و تعادل در متغیرهای کلان اقتصادی، همچون اشتغال، نقش محوری دارد. پیامدها و آثار اقتصادی-اجتماعی تعادل در بازار کار به نحوی است که مورد توجه اقتصاددانان و سیاست گذاران است. یکی از پیامدهای مستقیم چنین تعادلی جلوگیری از هزینه و مخارج ایجاد شده در نتیجه بیکاری است.<sup>۱</sup> اشتغال به عنوان عاملی مؤثر در رشد اقتصادی، توزیع درآمد، و حفظ کرامت انسانی است. در مقابل بیکاری به عنوان ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها و پیامدها و تبعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد. بیکاری یک پدیده اقتصادی بسیار مهم و حائز اهمیت برای دولت‌ها به شمار می‌آید. آن چنان که دولت‌ها همواره در تلاش هستند معضل اقتصادی-اجتماعی بیکاری را حل نمایند. شواهد تجربی بیانگر این واقعیت است که همه کشورها چه توسعه یافته و چه در حال توسعه گریبان‌گیر مشکل بیکار هستند.<sup>۲</sup>

ساختار جمعیتی کشورهای آسیایی و عرضه فراوان نیروی کار از یک طرف و فقدان امکانات متناسب با آن و در نتیجه عدم تقاضای کافی از طرف دیگر، بیکاری را به عنوان مهمترین معضل اقتصادی-اجتماعی این کشورها نموده است. در این راستا پدیده جهانی شدن احتمالاً بر ساختار بازار کار، اشتغال و بیکاری، آثار جدی را بر جای خواهد گذاشت. از آنجا که دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه نقش زیادی را در بازار کار دارند. خود به عنوان یک متغیر و عامل تأثیرگذار بر بازار کار نیز مطرح هستند.

<sup>۱</sup> - Bankim Chadha (1994) & Eswar S. Prasad (1997).

<sup>۲</sup> - اتحادیه آسه آن پس از بحران عظیم مالی سال ۱۹۹۷ و برای مقابله با چنین حوادثی، چشم‌انداز ۲۰۲۰ آسه آن را تدوین نمود. یکی از طرح‌های کاربردی که در این چشم‌انداز مورد توجه جدی قرار گرفته است برنامه آماده سازی و تجهیز کارگران برای مقابله با تغییرات بازار کار می‌باشد.

در کنار بازارهای کالا، سرمایه و پول، بازار کار یکی از بازارهای مهم و پراهمیت محسوب می‌گردد. در دهه‌های اخیر بر اهمیت این بازار افزوده شده است و منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل داده و درمباحث توسعه، عامل مذکور یکی از عوامل مهم و تعیین کننده به شمار می‌آید. از ابتدای دهه ۱۹۷۰ عامل «سرمایه انسانی» جایگاه تعیین کننده و مهم تری نسبت به سرمایه فیزیکی پیدا نمود و در کانون توسعه ملل قرار گرفت. به طوری که یکی از دلایل اصلی تمایز درجه توسعه یافتگی ملت‌ها، عامل سرمایه انسانی گردید. نیروی انسانی هم می‌تواند مولد تولید و درآمد و هم تحمیل کننده هزینه‌های فراوانی برای اقتصاد یک کشور باشد، که به شرایط و ویژگیهای بازار کار، ساختار جمعیتی بستگی دارد. بنابراین بازار کار دارای نقشی محوری و اساسی در اقتصاد می‌باشد. ضرورت ایجاد می‌نماید که مسایل مربوط به آن در کانون توجه سیاست‌گذاران جامعه قرار گیرد و هر چه بیشتر در آن شفافیت ایجاد شود.

### تاثیر جهانی شدن بر اقتصاد: بازار کار و اشتغال

در عمده مطالعات مرتبط با اثر جهانی شدن بر اشتغال، تاثیر این پدیده را در دو شاخص عمده خلاصه می‌کنند. شاخص درجه آزادی تجارت و شاخص باز بودن مالی. البته مطالعات مختلف تعریف‌های متفاوتی از این شاخص‌ها را ارائه می‌کنند مثلاً در مورد شاخص باز بودن درجه تجارت می‌توان به شاخص  $\frac{X+M}{GDP}$  اشاره کرد و یا به میزان تعرفه‌ها و تعداد مقررات صادرات و واردات و یا وضعیت بورکراسی اداری در صادرات و واردات کالا و خدمات اشاره نمود. برای شاخص باز بودن مالی عمده‌تا از نسبت  $\frac{FDI}{GDP}$  استفاده می‌شود. لذا تاثیر جهانی شدن اقتصاد بر اشتغال را در قالب تاثیر سه عامل اثر جهانی شدن و آزادسازی تجاری: بر دستمزد نیروی کار، بر ایجاد و حذف فرصت‌های شغلی و در نهایت اثر آزادسازی تجاری بر نرخ بیکاری آزادسازی مالی و رشد فناوری می‌توان بررسی نمود.

## ۱- آزاد سازی تجاری و اشتغال

مفهوم جهانی شدن اقتصاد و شاخص های جهانی شدن اقتصاد، همگی نشان می دهند که برای بررسی اثرات جهانی شدن بر بازار کار و اشتغال می بایست تاثیر پیامدهای جهانی شدن بر اشتغال را بررسی نمود که مهمترین این پیامدها شامل رشد تجارت آزاد (صادرات و واردات)، رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی، آزادسازی بازار سرمایه، رشد و پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، رشد بخش خصوصی است. یکی از مهم ترین عوامل رشد همگرایی اقتصاد جهانی و یا جهانی شدن اقتصاد و رشد تجارت بین الملل است. به گونه ای که نرخ رشد تجارت بین الملل از دهه ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۰۲ در اکثر سال ها بالاتر از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی جهان بوده است (کاس، پروسادا<sup>۱</sup> و ترونس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳، ۲۵).

به همین منظور بررسی تاثیر تجارت بین الملل بر بازار کار و اشتغال به لحاظ تئوریک و عملی از اهمیت زیادی برخوردارند. تئوری های تجارت بین الملل سنتی که مهم ترین آنها تئوری مزیت نسبی ریکاردو و تئوری همکشر-اوهلین - ساموئلسون (H-O-S) می باشد، دارای فرضی هستند که مهمترین آنها وجود رقابت کامل بازارهای محصول و عوامل و همچنین وجود اشتغال کامل در عوامل تولید است. بنابراین تاثیر تجارت جهانی برای ایجاد فرصت های شغلی جدید در چارچوب یک تئوری که اشتغال کامل را در نظر می گیرد، قابل بررسی نیست. اما اثر گذاری جهانی شدن بروضعیت و جابه جایی نیروی کار و سهم نسبی نیروی کار از تولید و یا چگونگی تغییرات در دستمزد را می توان بررسی نمود.

تئوری (H-O-S) دلیل تجارت بین کشورها و یا دلیل وجود مزیت نسبی بین کشورها را در تفاوت نسبت موجودی عوامل ( $\frac{K}{L}$ ) بین کشورها می داند. به این

<sup>۱</sup>-E. Swars Prasad

<sup>۲</sup>-Marco E. Terrones

ترتیب که کشورهای با نسبت سرمایه به نیروی کار ( $\frac{K}{L}$ ) بیشتر دارای وفور نسبی سرمایه هستند و مزیت نسبی آنها در تولید کالاهای سرمایه بر است چرا که سرمایه به دلیل فراوانی آن نسبت به نیروی کار، ارزان تر است و از طرف دیگر کشورهای با نسبت سرمایه به نیروی کار کمتر، دارای وفور نسبی نیروی کار هستند، لذا مزیت نسبی در تولید کالاهای کاربر دارند چرا که نیروی کار به دلیل فراوانی آن نسبت به سرمایه ارزان تر است. این تئوری را می توان با مقایسه قیمت های نسبی عوامل در کشورهای متفاوت نیز بررسی نمود. به این ترتیب که کشورها با قیمت های نسبی کار به سرمایه بالا ( $\frac{W}{r}$ )، دارای کمبود نیروی کار و فراوانی سرمایه هستند. لذا در تولید کالاهای سرمایه بر مزیت نسبی دارند. از طرف دیگر کشورها با قیمت های نسبی کار به سرمایه ( $\frac{W}{r}$ ) کمتر، دارای فراوانی نیروی کار هستند. لذا در تولید کالاهای کاربر مزیت نسبی دارند.

## ۲- آزادسازی تجاری و تاثیر آن بر دستمزد نیروی کار

مطالعات انجام شده در خصوص مقایسه دستمزدها بین کشورهای مختلف، نتایج یکسانی را گزارش نمی دهند و اعتقاد دارند که بررسی مقایسه ای دستمزدها بین کشورهای مختلف به ویژه کشورهای فقیر و غنی، با مقایسه تفاوت بهره وری در کشورها می توان توضیح داد. ترفلر<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) واریانس دستمزدها بین ۳۳ کشور در حال توسعه و توسعه یافته صنعتی را با فرض برابری قدرت خرید محاسبه نمود. وی معتقد است که ۹۰ درصد واریانس ایجاد شده به توسط اختلاف در بهره وری توضیح داده می شود. این نوع مطالعات بعدا توسط فری من<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) برای ۵۱ کشور انجام شد. وی بهره وری را به صورت غیر مستقیم مانند سطح سواد و... در

<sup>۱</sup>-Trefler

<sup>۲</sup>-Freeman



نظر گرفت و معتقد است که حدود یک سوم از نابرابری دستمزدها را می‌توان توسط شاخص بهره‌وری توضیح داد. همچنین رودریک<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) نشان داد که ارتباط قوی بین دستمزدها و بهره‌وری در صنایع کارخانه‌ای وجود دارد. به هر حال تمام این نوع مطالعات که اثر تجارت را به صورت غیرمستقیم به دستمزدها می‌بیند، معتقدند که ارتباط قوی بین بهره‌وری و دستمزد نیروی کار وجود دارد. از طرف دیگر بهره‌وری بادرجه آزاد تجاری ارتباط دارد. (ساجز و وارنر ۱۹۹۵، سالا و مارتین ۱۹۹۷، فدر<sup>۲</sup> ۱۹۸۲)

به هر حال اثر جهانی شدن (آزادسازی تجاری) بر دستمزدها در حالت کلی به طور قطع مشخص نیست. در یک مطالعه که توسط دلار و رای (۲۰۰۱) انجام شده است، نشان می‌دهد که سطح دستمزد در کشورهایی که دارای درجه باز بودن تجاری بالاتری هستند بیشتر از کشورهایی است که در آن‌ها درجه باز بودن اقتصاد بسیار پائین است. اما در تحقیقاتی که به صورت بخشی و به تفکیک کارگران ماهر و غیر ماهر انجام شده است نتایج بسیار متنوع است.

یکی از عوامل مهم در اقتصاد جدید که در سال‌های اخیر در ادبیات تجارت بین‌الملل مطرح شده است اثر چینی<sup>۳</sup> است. ورودی بی‌رویه کالاهای چینی به کشورهای مختلف، که با نیروی کار ارزان در چین تولید می‌شود، تقاضا برای نیروی کار غیر ماهر و ساده در کشورهای واردکننده کالاهای چینی، کاهش یافته است. مورد دیگر وجود تجارت درون صنعتی در اقتصاد جدید است که معروف به تجارت دو طرفه است. به این معنی که یک کالا در یک کشور امکان صادرات و واردات آن وجود دارد. بنابراین نمی‌توان اظهار نمود که یک کشور در کالاهای سرمایه بر یا کاربر مزیت دارد.

---

<sup>۱</sup>-Rodrik

<sup>۲</sup>-Sachs and Warner, Sala & Martin, Feder

<sup>۳</sup>-China Effect

### ۳- تاثیر جهانی شدن بر ایجاد و حذف فرصت های شغلی

جهانی شدن (آزادسازی تجاری و رشد تجارت خارجی) اثرات مثبت و منفی بر بازارکار را دارد. از لحاظ این که افزایش آزادسازی تجاری به ویژه افزایش صادرات باعث افزایش تولید و به تبع آن افزایش اشتغال خواهد شد شکی نیست اما رشد تجارت تنها به همین حرکت در اقتصاد خلاصه نمی شود. کالاها و خدماتی که در بازارهای جهانی عرضه می شوند می بایست دارای ویژگی استاندارد بین المللی باشند و با کالاها و خدمات مشابه خارجی رقابت کنند. لذا نیروی کار به کار گرفته شده در تولید محصولات صادراتی می بایست دارای بهره‌وری بالایی باشند. به همین ترتیب با رشد تجارت خارجی، نیروی کار ماهر و با بهره‌وری بالا از بخش های غیرصادراتی به بخش صادراتی منتقل می شوند و بنابراین ایجاد اشتغال در بخش های صادراتی عمدتاً برای نیروی کار ماهر است و نیروی کار غیرماهر عمدتاً در بخش های غیرصادراتی باقی می ماند. در این راستا به لحاظ اهمیت نیروی کار ماهر و افزایش دستمزد آنها، مقوله آموزش به ویژه آموزش فنی و حرفه‌ای و دانشگاهی برای افزایش مهارت نیروی کار نیز افزایش می یابد.

بنابراین افزایش تجارت بین الملل باعث می شود که گروهی از نیروی کار منافع و شغل خود را از دست بدهند و گروهی دیگر منافع و شغل های مناسبی را بدست آورند. معمولاً در کشورهای توسعه یافته و صنعتی برآیند ایجاد و حذف فرصت شغلی مثبت است. اما در کشورهای در حال توسعه این برآیند دارای اثر مشخصی نیست. به طور مثال در کشور مراکش، تجارت آزاد بر متوسط اشتغال در بخش های کارخانه‌ای اثر نداشته است (کاری و هاریسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷، ۲۷). اما در مکزیک تقاضا برای نیروی کار افزایش یافته است (رونکا<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷، ۱۸) در حالی که در اروگوئه آزادی سازی

---

Currie and Harrison<sup>۱</sup>

-Revenga<sup>۲</sup>

تجاری موجب کاهش تقاضا برای نیروی کار شده است (راما، ۳۵، ۱۹۹۴). اکثر مطالعات مربوط به تاثیر جهانی شدن با معیار تجارت آزاد بر اشتغال به دو دسته تقسیم می‌شوند. اولاً مطالعاتی که در سطح کلان و در بلند مدت موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند که عمدتاً تاثیر تجارت بر ایجاد اشتغال را مثبت می‌دانند (فدر، ۱۹۸۴)¹.

یکی از مهمترین عوامل وجود شغل‌های موقت در شرایط جهانی شدن و آزادسازی تجاری، گسترش بخش خصوصی و کاهش بخش دولتی است. به همین لحاظ نیروی کار با تحصیلات بالا در بخش‌های دولتی باقی می‌مانند و نیروی کار با تحصیلات پائین به بخش خصوصی منتقل شده و اکثراً در بخش‌های غیر رسمی استخدام می‌شوند. به هر حال جهانی شدن باعث ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش‌ها و مناطق صادراتی مانند مناطق آزاد تجاری می‌شود. اما به لحاظ اینکه قوانین و مقررات مربوط به بازار کار برای تسهیل در امر استخدام کارگر انعطاف پذیر است، امکان عدم امنیت شغلی و وجود شغل‌های غیردائمی و غیررسمی و موقت را افزایش می‌دهد. مطالعه‌ای درباره نیروی کار اتحادیه اروپا نشان دهنده آن است که در سال ۱۹۹۶ از ۱۴۹/۳ میلیون نفر شاغل در این کشورها، فقط ۹۱/۵ میلیون نفر (۶۱/۳ درصد) به صورت تمام وقت و یا قرار داد دائمی استخدام شده بودند و بقیه موقت. یک بررسی در هلند نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۹۶-۱۹۹۰ نسبت شاغلان تمام وقت از ۶۵ درصد به ۵۸ درصد کاهش یافته است (خاتم ۱۳۸۳).

#### ۴- بیکاری و جهانی شدن

هنگامی که جهانی شدن، هم باعث حذف شغل و هم باعث ایجاد و خلق فرصت شغلی می‌شود. تنظیم دو فرآیند ممکن است همگام نباشند. در طی دوره‌های

۳- فدر (۱۹۸۴) و تمام مطالعاتی که اثر تجارت بر رشد اقتصادی را بررسی می‌کنند، چراکه رشد اقتصادی خودیکی از عوامل مهم ایجاد اشتغال است.

آزادسازی تجارت و اصلاحات اقتصادی انتظار می رود در کوتاه مدت حذف فرصت های شغلی، بیشتر از ایجاد فرصت های جدید شغلی باشد که نتیجه آن بیکاری بیشتر است. جهانی شدن اقتصاد، افزایش نوسانات در اقتصاد کلان را به همراه دارد. مثلاً افزایش در نوسانات نرخ مبادله و جریان سرمایه باعث افزایش در تغییرات نرخ های بیکاری می شود. حتی اگر متوسط نرخ بیکاری در یک دوره تجاری بدون تغییر باقی بماند جریان شغلی<sup>۱</sup> می تواند افزایش یابد. البته با توجه به مفهوم بیکاری در اقتصادهای مختلف تاثیرات متفاوتی از جهانی شدن جلوه می کند.

چندین مطالعه نشان می دهند که شکاف مزیت شغل های امتیازدار<sup>۲</sup> در مقابل شغل های دیگر می تواند تاثیرگذار بر بیکاری در کشورهای در حال توسعه باشد. در سری لانکا، دی کن و لانگ<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) اولین فرضیه خود که "تحصیلات دلیل و عمده بیکاری بوده است"، را آزمون و نشان دادند که عمده ترک تحصیل از مدارس، بیکاری بالای تحصیل کرده ها بوده است. در کشور مصر، اسد<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) آزمون " اثر تضمین شغل توسط دولت برای تحصیل کرده ها و سیاست های بخش عمومی بر روی نرخ بیکاری" را انجام داد. این سیاست که باعث تشویق برای کسب شغل های دولتی می شد، سبب افزایش نرخ های بیکاری تحصیل کرده ها و کاهش اشتغال فارغ التحصیلات در بخشی خصوصی شده بود. بنابراین جهانی شدن باعث کاهش رانتهای موجود در بازار کار برای جستجوی شغل های امتیازدار می شود. راما (۲۰۰۳) معتقد است که نرخ بیکاری در منطقه آسیای شرقی که تعامل گسترده ای را با جهانی شدن داشته است در تمام دهه ها ثابت و پائین بوده است. (به

---

<sup>۱</sup>-Job Turnover

<sup>۲</sup>-Privileged Job

<sup>۳</sup>-Dick and Lang

<sup>۴</sup>-Assad

استثناء بحران ۱۹۹۷) اما در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا که هیچ آثاری از جهانی شدن وجود ندارد (مانند تونس)، نرخ بیکاری ثابت و بالا باقی مانده است. همچنین بانک جهانی (۲۰۰۰) بر این باور است که جهانی شدن، نرخ بیکاری را در کشورهای آرژانتین، کلمبیا و پاراگوئه افزایش نداده است. اما متوسط نرخ بیکاری این کشورها فقط یک درصد رشد داشته است، که در مقابل افزایش نرخ بیکاری زیاد سایر کشورها بسیار ناچیز است. بنابراین تاثیر جهانی شدن بر نرخ بیکار در کوتاه مدت و بلند مدت متفاوت است. در کوتاه مدت این اثر بر نرخ بیکاری افزایشی است ولی در بلند مدت نرخ بیکاری، کاهش می یابد.

### ۵- جهانی شدن، همگرایی بازارهای مالی<sup>۱</sup> و اشتغال

آزادسازی در بازارهای مالی به معنی آزادی ورود و خروج سرمایه بین کشورهاست. به عبارت دیگر انعطاف پذیری بیشتر در حساب سرمایه در تراز پرداخت های خارجی یک کشور به معنی افزایش درجه باز بودن مبادلات مالی است. جریان سرمایه بین کشورها در شرایط کنونی به دو شکل صورت می گیرد. جریان سرمایه به شکل پرتفولیو<sup>۲</sup> که عمدتاً بر اساس اختلاف در نرخ های بهره بین کشورهاست. البته به متغیرهای سیاسی، اقتصادی و از جمله نرخ ارز نیز بستگی دارد. برخی از محققان تمامی این موارد را با هزینه انتقال سرمایه نشان می دهند (اکل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴ و هافلر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷).

دومین جریان سرمایه، سرمایه گذاری مستقیم خارجی است. که در این روش سرمایه گذاران خارج از کشور میزبان، سرمایه های خود را به صورت فیزیکی

---

<sup>۱</sup>-Financial Integration

<sup>۲</sup>-Portfolio

<sup>۳</sup>-Carsten Eckel

<sup>۴</sup>-Hafler

(ماشین آلات، زمین و...) به کار می‌گیرند. و عمدتاً عوامل موثر بر جذب این گونه سرمایه‌ها، امنیت سرمایه، سوددهی، بازار مناسب در کشور میزبان و همسایگان و فراوانی نیروی کار ارزان است. تاثیر رشد مبادلات مالی و جریان سرمایه بین کشورها بر اشتغال و بازار کار، به لحاظ مبانی نظری و بر اساس تأمین تقاضای نیروی کار که یک تابع مشتق شده از تولید و تقاضا برای محصولات است، می‌باشد. به این ترتیب که ورود سرمایه و در نتیجه سرمایه‌گذاری جدید منجر به رشد تولید و در نهایت افزایش تقاضا برای نیروی کار خواهد شد.

در دهه ۱۹۸۰ گروهی از کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای آسیای جنوب شرقی با آزادسازی بازارهای مالی موفق به جذب سرمایه‌های فراوانی از کشورهایی توسعه یافته شدند. البته عمده این سرمایه‌ها به صورت پرنفولیو بود که توانست رشد و اشتغال قابل توجهی را برای اقتصاد این گروه از کشورها به ارمغان بیاورد. اما بحران ۱۹۹۷ که منجر به فرار سرمایه از این کشورها گردید باعث شد که در ادبیات بازارهای مالی و سرمایه تحولاتی رخ دهد و توصیه‌های نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای کشورهای در حال توسعه تغییر کند (فیشر، ۲۰۰۳). لذا اقتصاد دانانی همچون فیشر، راما، لعل<sup>۱</sup> و دیگران به این نتیجه رسیدند که مناسب‌ترین روش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تشویق برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دو نوع، افقی و عمودی تقسیم می‌شود.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی عمدتاً میان کشورهای پیشرفته صنعتی که به لحاظ امکانات تولیدی و موجودی عوامل، یکسان هستند تعریف می‌شود هلمپن (۱۹۸۴) و گروگمن<sup>۲</sup> (۱۹۸۵). در حالت افقی، به جای صادرات کالاها یا خدمات، شرکت‌های چند ملیتی با ایجاد بنگاه‌های جدید در واقع به انتقال بنگاه

---

-Sanjaya Lall<sup>۱</sup>

-Helpman & Krugman<sup>۲</sup>

مبادرت می‌ورزند. این حرکت بستگی به بازار کشور مقابل و اجتناب از هزینه تجارت دارد. بنابراین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی جایگزین تجارت می‌شود. این نوع سرمایه‌گذاری حجم بالایی را به خود اختصاص داده است (بریانارد ۱۹۹۷، بلونی جن ۲۰۰۱، مرکوزن و ماسکاس<sup>۱</sup> ۲۰۰۰).

اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی که برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است بین کشورهای صورت می‌گیرد که به لحاظ امکانات تولیدی و موجودی عوامل، یکسان نیستند (هورستمن<sup>۲</sup> و مرکوزن ۱۹۹۲، بریانارد ۱۹۹۳، ونابلس<sup>۳</sup> و مرکوزن ۲۰۰۰، دسانتیس<sup>۴</sup> و استاهلر ۲۰۰۴). این نوع سرمایه‌گذاری در صورتی اتفاق می‌افتد که صنعتی نیاز به نیروی کار ماهر و غیرماهر داشته باشد. در این حالت انتقال بخشی از کارخانه که نیازمند نیروی کار غیر ماهر است به کشوری که دارای نیروی کار غیر ماهر فراوان و ارزان می‌باشد سودمند خواهد بود. بنابراین چنین سرمایه‌گذاری مکمل تجارت است. تاثیر این گونه سرمایه‌گذاری به رشد اشتغال و افزایش برای تقاضای نیروی کار، همانند تئوری رشد سرمایه‌گذاری، تولید و سپس اشتغال است. به همین منظور بسیاری از اقتصاد دانان شاخص نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی کشور را شاخصی برای باز بودن مالی یا همگرایی مالی و جهانی شدن اقتصاد معرفی می‌کنند.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>-Brainard,Blonigen,Maskusen

<sup>۲</sup>-Hostman

<sup>۳</sup>-Venables

<sup>۴</sup>-Desantis

۵- این شاخص توسط موسسه هریتیج، فریزر، ATK عنوان شده است همچنین اقتصاددانان تجارت بین الملل، از این شاخص به عنوان درجه باز بودن مالی یک کشور استفاده نموده اند. از جمله شواهدی که در این خصوص می‌توان ارائه نمود مطالعه راما (۲۰۰۳) است. وی نشان می‌دهد اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر دستمزدها در کوتاه مدت مثبت است. به طوری که در کوتاه مدت یک افزایش ۱۰ درصدی در نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی باعث افزایش حدود ۲ درصدی در سطح دستمزدها می‌شود. ولی به مرور اثر FDI بر سطح دستمزدها کم می‌شود. اما اثر باز بودن تجاری بر سطح

## سهم اشتغال بخش خدمات در اقتصاد

بر اثر جهانی شدن اقتصاد و گسترش بخش خدمات، سهم اشتغال در این بخش نسبت به سایر بخش‌ها گسترش زیادی یافته است به طوری که ساختار اقتصادی کشورهای در حال توسعه را تغییر داده است. روند جابجایی مهم اشتغال از بخش کشاورزی به بخش صنعت و سپس به بخش خدمات باعث شده که بخش خدمات از توجه ویژه برخوردار شده. کلارک<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که در بین کشورهای، تعداد بنگاه‌های بخش کشاورزی در حال کاهش است درحالی که بنگاه‌های بخش خدمات در حال افزایش است. برای نشان دادن این موضوع که بخش خدمات گسترش یافته است به جداول ۱ و ۲ توجه می‌کنیم.

جدول (۱): روند سهم اشتغال در بخش‌های اقتصاد در کشورهای OECD درصد

سال کشور	۱۸۷۰			۱۹۶۰			۱۹۸۴			۲۰۰۲		
	کشاورزی	صنعت	خدمات	کشاورزی	صنعت	خدمات	کشاورزی	صنعت	خدمات	کشاورزی	صنعت	خدمات
آلمان	۵۰	۲۹	۲۲	۱۴	۴۸	۳۸	۵	۴۲	۵۳	۳	۳۳	۶۵
فرانسه	۴۹	۲۸	۲۳	۲۱	۳۶	۴۳	۸	۳۲	۶۰	۲	۲۵	۷۴
هلند	۳۷	۲۹	۳۴	۱۱	۴۱	۴۸	۵	۲۸	۶۷	۳	۲۱	۷۳
سوئد	۵۴	-	-	۱۵	۴۲	۴۳	۵	۲۹	۶۶	۲	۲۴	۷۴
انگلستان	۲۳	۴۲	۳۵	۵	۴۶	۴۹	۳	۳۲	۶۵	۱	۲۵	۷۳
ژاپن	۷۳	-	-	۳۳	۳۰	۳۷	۹	۳۴	۵۷	۵	۳۱	۶۴
آمریکا	۵۰	۲۴	۲۶	۸	۳۱	۶۱	۳	۲۵	۷۲	۲	۲۲	۷۵

Source: Anxo Dominique and storrie Donald "the job creation potential of the serried sector in Europe." European commission (2000)

دستمزدها به مرور زمان زیاد می‌شود و می‌تواند اثر FDI را بر سطح دستمزدها را خنثی کند. در همین مطالعه نشان داده می‌شود که FDI منجر به افزایش اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی نیز می‌شود.

[Trefler(1993) , Fisher(2003) , Rodrik(1999), kose(2003), freeman(1994) , Eckel(2004)]

<sup>۱</sup>-Clark



جدول (۲): سهم در بخش‌های اقتصاد کشورهای منتخب آسه‌آن و ایران درصد

کشور	۱۹۸۰			۲۰۰۱		
	کشاورزی	صنعت	خدمات	کشاورزی	صنعت	خدمات
ایران	۳۰/۱	۲۷/۸	۴۲/۱	۲۱/۹	۳۰/۳	۴۷/۸
مالزی	۳۷	۲۴	۳۹	۱۸	۳۲	۵۰
تایلند	۷۰/۸	۱۰/۳	۱۸/۹	۴۸/۵	۱۹	۳۲/۲
فیلیپین	۵۲	۱۵	۳۳	۳۷	۱۶	۴۷
اندونزی	۵۵/۹	۱۳/۲	۳۰/۲	۴۳/۸	۱۷	۳۷/۵

ماخذ: (۲۰۰۴) WDI، (۲۰۰۵) IFS و مرکز آمار ایران، نمونه گیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار

همان‌گونه که مشاهده می‌شود ساختار بلند مدت اشتغال در بخش‌های سه‌گانه تغییرات زیادی یافته است به طوری که روند اشتغال در بخش خدمات به شدت افزایشی بوده است. بنابراین بخش خدمات در کشورهای مورد مطالعه (و عمدتاً کشورهای در حال توسعه) نسبت به کشورهای صنعتی، از سهم مطلوب برخوردار نمی‌باشد و لذا نیازمند تعامل بیشتری با جهانی شدن اقتصاد دارند.

### تعامل اقتصادهای باز و بسته با جهانی شدن

در جداول (۳) و (۴) هزینه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و همچنین منافع کوتاه مدت و بلندمدت در زمینه‌های اشتغال و بازار کار برای اقتصادهای باز و اقتصادهای بسته آورده شده است. هزینه‌های کوتاه‌مدت برای اقتصاد باز که در تعامل با جهانی شدن است می‌تواند شامل کاهش اشتغال در بخش‌ها و بنگاه‌های غیرکارا، افزایش هزینه‌های دولت در زمینه‌های آموزش، ایجاد مهارت، تأمین اجتماعی باشد. منافع بلندمدت برای یک اقتصاد باز، افزایش بهره‌وری نیروی کار، کاهش هزینه‌های حمایتی دولت برای ایجاد اشتغال، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در بخش خدمات می‌تواند باشد.

### جدول (۳) تعامل اقتصاد باز با جهانی شدن

<p><b>هزینه های کوتاه مدت تعامل با جهانی شدن</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- کاهش اشتغال در بخش ها و بنگاه های غیر کارا</li> <li>- جابجایی شدید نیروی کار</li> <li>- افزایش شکاف دستمزد نیروی کار ماهر و غیر ماهر به نفع نیروی کار ماهر</li> <li>- کاهش امنیت شغلی برای نیروی کار غیر ماهر .</li> <li>- انتقال نیروی کار از بخش های مختلف به خدمات</li> <li>- کاهش اشتغال در بخش خدمات عمومی</li> <li>- کاهش اشتغال نیروی کار غیر ماهر .</li> <li>- هزینه ایجاد مراکز آموزش برای ایجاد مهارت توسط دولت</li> <li>- هزینه حمایت های تامین اجتماعی برای دولت</li> <li>- کاهش صادراتی که خواص رقابتی دارند و کاهش دستمزد و اشتغال در بخش کالاهای صادراتی</li> </ul>	<p><b>هزینه های بلندمدت جهانی شدن</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- امکان حذف برخی از فعالیت ها برای همیشه</li> <li>- استفاده شرکت های چند ملیتی از منابع ارزان و یارانه دار</li> <li>- استثمار نیروی کار توسط شرکت های چند ملیتی</li> </ul>
<p><b>منافع کوتاه مدت جهانی شدن</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- افزایش اشتغال در بخش های کارا و با بهره وری بالا</li> <li>- افزایش اشتغال نیروی کار ماهر</li> <li>- افزایش اشتغال در زیر بخش های خدمات بازاری</li> <li>- حرکت بنگاه های صادراتی به سوی رقابت پذیری بیشتر</li> <li>- حذف فعالیت های خدماتی غیر مولد ( واسطه و دلال ها )</li> <li>- حذف فعالیت های خدماتی، ناشی از مقررات غیر ضروری و عدم سوء استفاده از این گونه مقررات (رانت ها )</li> </ul>	<p><b>منافع بلند مدت جهانی شدن</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- افزایش بهره وری نیروی کار و بهره وری کل عوامل تولید</li> <li>- حرکت به سوی صادرات بیشتر</li> <li>- ایجاد فرصت های شغلی پایدار و با ثبات (متکی بر تخصص و مهارت)</li> <li>- کاهش هزینه های حمایتی دولت برای ایجاد اشتغال.</li> <li>- افزایش مهارت نیروی کار</li> <li>- تعامل بهتر با اقتصاد جهانی و استفاده از اثر سر ریز در بنگاه های خارجی</li> <li>- کاهش بیکاری</li> <li>- ایجاد فرصت های شغلی در بخش های خدمات جدید</li> </ul>

### جدول (۴): عدم تعامل اقتصاد بسته با جهانی شدن

<p><b>هزینه های کوتاه مدت با جهانی شدن</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- افزایش شکاف بهره وری نیروی کار با کشورهای دیگر</li> <li>- عدم افزایش رقابت پذیری بنگاه ها</li> <li>- عدم تغییر ساختار مهارت نیروی کار یا کندی روند آن</li> <li>- بزرگ شدن بخش های خدمات غیر بازاری</li> <li>- عدم برطرف شدن بیماری با مدلی در زیر بخش های خدمات</li> </ul>	<p><b>هزینه های بلندمدت جهانی شدن</b></p> <p>روند <b>هزینه های</b> کوتاه مدت ادامه می یابد</p>
<p><b>منافع کوتاه مدت جهانی شدن</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم تغییر ساختار بازار کار و عدم تحرک سطح</li> <li>- عدم افزایش شکاف دستمزد نیروی کار ماهر و غیر ماهر</li> <li>- امنیت نسبی شغلی برای نیروی کار غیر ماهر</li> </ul>	<p><b>منافع بلند مدت جهانی شدن</b></p> <p>روند منافع کوتاه مدت ادامه می یابد</p>

## نتیجه گیری

در شرایط جدید و با ظهور پدیده جهانی شدن، نقش اصلی را عنصر دانش ایفا می کند. بنابراین سرمایه اصلی این پدیده، دانش و علم است که با پذیرش اینکه انسان محور توسعه است و جوامع در حال توسعه، در حال حرکت به سمت جامعه دانش محور می باشند و سرمایه های اصلی مغزها هستند، اقتصادی می تواند پیشرفت داشته باشد که مساعدترین شرایط را برای رشد و شکوفائی مغزهای خود فراهم کند. به طوریکه کشورها برای تعامل سازنده با پدیده جهانی شدن باید بسیار به علم، تکنولوژی و تربیت پردازند و به یک استراتژی خاص در ارتباط با جهانی شدن برسند. آن طوریکه تمام آحاد مردم بر سر این استراتژی هماهنگی داشته باشند.

با توجه به تعاریف جهانی شدن، جهانی شدن باید بتواند به لحاظ نظری هر سه ساحت جهانی شدن را پوشش دهد. ساحت اقتصاد، ساحت سیاست و ساحت فرهنگ. بنابراین جهانی شدن به عنوان فرایند، یک جریان و روند اجتماعی پویا است که در آن قید و بندهای جغرافیایی حاکم بر روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تضعیف می شود و یا از بین می رود. جهانی شدن به عنوان یک پدیده، رویدادی است که بر گسترش وسیع و عمیق تعامل بین الملل دلالت دارد. آن چنان که تولید، تقسیم کار و تجارت، جهانی می شود و دنیا به صورت شبکه ای مرتبط، به یک مرکز داد و ستد، تبدیل می شود. جهانی شدن به عنوان یک اندیشه، به تفکر لیبرال دموکراسی غربی اشاره دارد، به نحوی که مهاجرت، انقلاب در تکنولوژی ارتباطات باعث تداوم، تسلط و تثبیت فرهنگ غربی در سراسر جهان می شود. جهانی شدن به عنوان یک پروژه، حاصل اجرای یک نقشه سیاست گذاری شده از طرف قدرتهای بزرگ جهانی برای گسترش سلطه است. به طوریکه می توان آنرا جهانی سازی نامید نه جهانی شدن.

---

---

## References

Amini, A. (2002). Analysis of Factors Affecting on the Labor Demand and Obstacles to Employment in Iran's Economy. PhD Thesis, Tehran: Islamic Azad University, (In Persian).

Anderson, K. (2005). Globalization, Opportunity and Challenges. Translated by: A., Sabaghian & V., Bigi, Tehran: Institute of Business Studies and Research, (In Persian).

Axel Dreher, J. E. S., & Henrich, W. U. (2006), the Impact of Globalization on the Composition of Government Expenditures: Evidence from panel Data, CES ifo Working paper No. 1755 Category 1: Public Finance.

Baltagi, B. (1995), *Econometric Analysis of Panel Data*, New York: John Wiley and sons.

Branson, W. H. (2008). Theory and Policy of the Macroeconomics. Translated by: A., Shakeri, Tehran: Ney Publishing, (In Persian).

Cellin, R., Tomasini, S., & Vincenzi, L. (2001), Increase in Labor Productivity, factor Substitution and Labor demand. Prepared for the European Commission.

Cornwell, C. P. S. (1984), Panel Data With Cross-Sectional Variation in Slopes as well as in Intercept. *Econometrics workshop Paper*, No. 8404..

Dadgar, Y. (2001). An Overview of the Literature on the Role and Position of Government in Economics. *Journal of Research*, 1, 21-35, (In Persian).

Fajnzylber, P., & William. F. M. (2000), Labor demand in Colombia, Chile and Mexico, *Dynamic Panel Modeling*.

Fitzpatrick, T. (2004). Theory of Welfare: What is Social Policy?. Translated by: H., Homayounpour, Tehran: Institute for Research and Social Security, (In Persian).

Garrett, G., & Mitchell, D. (2001), Globalization, government Spending and taxation in the OECD. *European journal of political Research*, 39, 145-177

Ghavidel, S. (2006). The Role of Globalization of the Economy in the Employment of the Non-Oil Industry in Iran. PhD. Thesis, Tehran: Islamic Azad University, (In Persian).

Hays, J., D. E., & Peinhard, C. (2005), Globalization Spending and public Support for Trade in the OECD: An Empirical test of the Embedded Liberalism. *International organization*, 59, 473-494

Hicks, A., & Zorn, C. (2005), Economic Globalization, the macro Economy, and reversals of Welfare: Expansion in affluent democracies. 59, 631-662.

Hobbes, T. (2001). Leviathan. Translated by: H., Bashirieh, Tehran: Ney Publication, (In Persian).

Jafari Samimi, A. (2005). Globalization, Indicators and Status of Iran's Economy. Tehran: Institute for Business Studies and Research, (In Persian).

Jahn, D. (2006). The Missing Link in the Analysis of Diffusion Patherns in Welfare state Development. International Organization, 60, 401-431

Jukwon, H. (2001). Globalization,unemployment and policy responses in Korea. global social policy, 2, 213-234.

Juliano, B., & Wake, G., & Tyler Kubi, P. (2001). The Welfare State in Europe (Towards the Theory of Reducing the Role of Government in Welfare Services). Translated by: H., Homayounpour, Tehran: Institute for Social Security Research, (In Persian).

Khodarahmi, R. (1992). Investigating the Relationship between Government Size and Economic Growth in Iran. Master's Thesis, Tehran: Shahid Beheshti University, (In Persian).

Komejani A. (1999). Assessing the Performance of Employment Policies in the Recent 10 Years and Identifying the Demand Function of Labor in Iran. Tehran: Institute for Research and Social Security, (In Persian).

Landman, O. (2000). Wages unemployment, and globalization: A tale of conventional wisdoms, institute for Allgemeine Wirtschaftsforschung, 79-85.

Maddala, G. (1993). The Econometrics of Panel Data, Brookfield, 1-2.

Orbeta, C. A. (2002). Globalization and employment:the impact of trade on employment level and structure in thePhilippines, Philippines institute for development studies discussion paper series no.04

OECD. (2004). Public Expenditure Database.

Rabiei, R. (2004). The Government of the E-Government, Experience of the Government of Germany. Tehran: Advanced Information and Communication Center of Sharif University of Technology, (In Persian).

Rama,Martin(2003), Globalization and workers in developing countries ,world bank policy research working paper.pp.29-58

---

Rodrik, D. (1997). Has Globalization on Gone Too Far, Institute for International Economics.

Rodrik, D. (1998), Why Do More open Economics Have Bigger Governments? Journal of political Economy 106, 997-1032

Samatti, M. (1993). The Desirable Size of Government Economic Activities in Iran. PhD Thesis, Tehran: Tarbiat Modarres University, (In Persian).

Samety, M. (2003). Employment, Labor Market, Economic Policies. Social Security Institute, (In Persian).

Schulze G., & Ursprung, H. W. (1999), Globalization of the economy and the nation state the world Economy 22, 295-352

Stiglitz, J. (2008). Globalization and its Issues. Translated by: H., Golriz & A., Rezaee Nejad, Tehran: Ney Puplication, (In Persian).

Tanzi, V. (2004), Globalization and the need for Fiscal Reform in Development countries "INTAL-ITD, Occasional paper-Siti-06

Vincent, A. (2008). Government Theories. Translated by: H., Bashirieh, Tehran: Ney Publication, (In Persian).

Walterskirchen, E. (1999), The Relationship Between Growth, Employment and Unemployment in the EU", Austrain Institute Of Economic Research , Vienna , 8 Sept,

World Bank. (2006), World Development Indicators.